

«شب قدر» شب قانون اساسی است

شب قدر در منطق قرآن کریم یعنی شب نزول قرآن و شب قانون اساسی، شب روشن کردن حقایق شرعی، شبی که خدا سبحانه و تعالی بر بندگان منت می‌نهد.



شب قدر در منطق قرآن کریم یعنی شب نزول قرآن و شب قانون اساسی، شب روشن کردن حقایق شرعی، شبی که خدا سبحانه و تعالی بر بندگان منت می‌نهد. شبی که با اعطای تعالیمی، سعادت و هماهنگی بندگان با هستی و کمال یافتن همه ابعاد وجود را برای آدمی فراهم می‌کند. این دریافت قرآنی از شب قدر است.

سوره قدر «حدیث سحرگاهان»، دومین جلد از مجموعه گفتارهای تفسیری امام موسی صدر و ترجمه کتاب «احادیث السحر» است که سال ۱۹۹۹ در بیروت منتشر شد و افزون بر مطالب آن کتاب، بخش هایی از متون نویافته نیز در آن گنجانده شده است. این کتاب آن بخش از گفتارهای تفسیری امام موسی صدر را دربرمی‌گیرد که ایشان در آخرین سال های حضور خود در لبنان، سحرگاهان ماه مبارک رمضان در رادیو لبنان بیان می‌کرد و به همت مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر در تهران و با همکاری دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ و منتشر شده است. در ادامه، گفتار مربوط به شب قدر تقدیم نگاه خوانندگان می‌شود.

«امشب شب بیست و سوم ماه رمضان، شب قدر است و آن را گرامی می‌دارند. شب قدر در قرآن کریم، شب نزول قرآن است. قدر بودن این شب به این است که احکام و تعالیم، حلال و حرام و هر آنچه امور آدمی را اصلاح می‌کند و هدایتگر او در زندگی است، در چنین شبی نازل شده است؛ پس بار دیگر این آیات را بیان می‌کنیم: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ؛ ما آن را در مبارک شبی نازل کردیم، ما بیم دهنده بوده ایم.» (دخان/ ۳) که به معنای آن است که خدای سبحانه و تعالی هنگام نزول این آیه از قرآن در مقام انذار و دعوت بوده است، نه در مقام آفریدن و تکوین؛ بنابراین آنچه در این شب نازل شده، دعوتی از سوی خدا و رسالتی از سوی اوست.

در ادامه آیات چنین می‌فرماید که «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ؛ در آن شب هر فرمانی بر حسب حکمت صادر می‌شود.» (دخان/ ۴) حکیم یعنی محکم؛ یعنی در این شب همه امور محکم تفصیل و توضیح داده و آشکار می‌شود. این امور محکم و ثابت چیست؟ آیا امور محکم امور هستی است؟ آیا رزق و روزی و عمر و سعادت و شقاوت جوامع است؟ در ادامه آیات، قرآن کریم این «امر محکم» را نیز توضیح می‌دهد، آنجا که می‌فرماید: «أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ فرمانی از جانب ما و ما همواره فرستنده آن بوده ایم، رحمتی است از جانب پروردگارت و هر آینه او شنوا و داناست.» (دخان/ ۵ - ۶) بنابراین امر محکمی که در این شب مبارک بیان می‌شود، امری است که نزد خدا حاصل شده، هنگامی که خدا رسول اکرم(ص) را بشارت دهنده، دعوت کننده و انذاردهنده فرستاد.

دریافت قرآنی از شب قدر

از این آیات درمی‌یابیم که امور محکم و نازل شده در قرآن برای احکام، برای حلال و حرام و برای تعالیم هدایت کننده سعادت بشر بوده؛ چون قرآن کریم حاوی همه این مسائل است؛ بنابراین شب قدر در منطق قرآن کریم یعنی شب نزول قرآن و شب قانون اساسی، شب روشن کردن حقایق شرعی، شبی که خدا سبحانه و تعالی بر بندگان منت می‌نهد. شبی که با اعطای تعالیمی، سعادت و هماهنگی بندگان با هستی و کمال یافتن همه ابعاد وجود را برای آدمی فراهم می‌کند. این دریافت قرآنی از شب قدر است. این مفهوم در سوره قدر نیز آمده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْتِيهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ، سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛ ما در شب قدرش نازل کردیم، و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است، در آن شب فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای انجام دادن کارها نازل می‌شوند، آن شب تا طلوع بامداد همه سلام و درود است.»

تفاوت میان شب قدر و هزار شب که در قرآن کریم آمده است و برتر و بالاتر بودن این شب از هزار شب، علتی روشن دارد که سیوطی(ره) در کتاب «الدرالمنثور» آورده است. او می‌گوید: «رسول الله(ص) در رؤیا یا هنگام وحی دید که دشمنانش از منبر او بالا می‌روند، از همین رو بسیار ناراحت شد، نه به این سبب که دشمنانش مقدرات امت را در دست گرفته اند؛ بلکه به این علت که نگران بود دشمنان کتاب خدا و احکام او را تحریف کنند، چنانکه ۸۰ سال یعنی هزار ماه به چنین کاری مشغول بودند. پس خداوند رسول خود را چنین تسلی می‌دهد که ناراحت نباش، درست است که ما بر اساس حکمتی و بنا بر علتی و برای اتمام حجت بر این امت چنین تقدیر کردیم که دشمنان تو ۸۰ سال بر این امت حکومت کنند؛ اما تأثیر آنها بر این امت و تأثیرشان در تاریخ و تا ابد به اندازه تأثیر این شب یعنی شب نزول قرآن نیست؛ بنابراین به هنگام مقایسه تاریخی و انسانی میان تأثیر این شب و تأثیر ۸۰ سالی که دشمنان رسول الله(ص) و دشمنان اسلام بر این امت حکومت کردند، این شب بر هزار ماه یا بیشتر از هزار ماه

این مفهوم از آیه دیگری نیز دریافت می شود، آنجا که خدا تأکید می کند: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ ما قرآن را خود نازل کرده ایم و خود نگهدارنده هستیم.» (حج/ ۹) هر قدر که خرابکاران و تخریب کنندگان و سوء استفاده کنندگان از اسلام و دین تلاش کردند تا سخن را از جای خود بگردانند و تحریف کنند، وجود قرآن و تأثیر این شب بر امت قوی تر از آن بوده است. قرآن کریم به یکی از معانی شب قدر که این شب، شب نزول قرآن است، اشاره می کند؛ اما اخبار و روایات صحیح تأکید می کنند که شب قدر، یک شب نیست، بلکه در میان امت باقی ست تا زمانی که امت باقی ست؛ بنابراین برای ما راه تفکر در سایر معانی شب قدر گشوده می شود.

یکی از معانی که از این روایات درمی یابیم، این است که باقی ماندن شب قدر، باقی ماندن یاد آن است؛ یعنی مسلمانان باید شب نزول قرآن را گرمی بدانند، به قرآن بازگردند و قرآن را به یاد و خاطره خود بازگردانند تا واقعیت اوضاع خویش را بررسی و درباره انحرافات خود، اصلاح و افکار جدید و متجدد تحقیق کنند و سپس، این مسائل و موضوعات روز را از نو با قرآن کریم در میان بگذارند.

معنای دیگری نیز برای شب قدر می توان دریافت که این معنا با دعا مرتبط است. چنانکه در آیات روزه بنگریم، آیه دعا ضمن آیات روزه آمده است: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي...؛ چون بندگان من درباره من از تو می پرسند، بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند، پاسخ می دهم، پس به ندای من پاسخ می دهند.» (بقره/ ۱۸۶) این آیه چنانکه گفتیم، ضمن آیات روزه آمده است که تأکید می کند ماه رمضان ماه دعاست. میان روزه و بی توجهی به جسم و نیازهای مادی و جدایی موقت از زمین و زمینیان و نزدیکی به خدا و توجه به او و پذیرش دعا هماهنگی وجود دارد. به همین سبب در خطبه رسول خدا(ص) آمده است که در ماه رمضان بسیار دعا کنید؛ البته دعایی که بجا باشد. شرط استجاب دعا در شب قدر

پیش از این درباره مکان و موضوع دعا سخن گفتیم که دعا جانشین تلاش و عمل و فعالیت نیست و نیز دعا بدیل عمل و علتی برای ترک اعمال نیست؛ آدمی باید عمل و دعا کند، مگر هنگامی که مضطر شود؛ یعنی از اسباب قطع امید کند و دیگر از هر کار دیگری ناامید شود، در این هنگام می تواند به دعا تکیه کند؛ چون که قرآن کریم می فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...؛ یا آنکه درمانده را چون بخواندش، پاسخ می دهد و رنج از او دور می کند.» (نمل/ ۶۲)

بنابراین دعا سرنوشت را تعیین و حاجتی را برآورده می کند. این مفهوم از آنچه شایع است، بهتر است؛ تعبیری که می گوید در این شب هر انسانی هر دعایی کند، برآورده می شود، این مفهوم در اسلام نیامده است. هر عملی که انسان بتواند با تلاش و کوشش بشری آن را محقق کند، دیگر دعا در آن مجال ندارد؛ اما هر عملی که انسان در برابر آن ناتوان و مضطر است و در راه کسب اسباب آن تلاش کند؛ اما به آن دست نیابد، در اینجا دعا جا دارد؛ بنابراین دعا اگر در موضع درست خود باشد، در شب قدر مستجاب می شود. موضع دعا اضطرار است و دعا باید با تلاش و کار همراه شود. این مفهوم سوم و مفهومی نزدیک تر به معنای شب قدر است که به معنای باقی ماندن این شب در میان امت است. از خدا می خواهیم که بتوانیم از این شب استفاده کنیم.»